



شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی باید قطع شوند

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ۲۴ هزار شهید استان تهران با انتقاد از عملکرد مسئولان کشورهای اسلامی در قبال موضوع بسیار مهم غزه گفتند: «برخی مواقع موضع‌گیری‌ها و اظهارات مسئولان کشورهای اسلامی اشتباه است؛ زیرا درباره موضوعی همچون آتش‌بس در غزه صحبت می‌کنند که از اختیار آنها خارج است و در دست دشمن خبیث صهیونیستی است، مسئولان کشورهای اسلامی باید نسبت به موضوعاتی که در اختیار آنهاست، اقدام کنند.» رهبر انقلاب تأکید کردند: «آن موضوعی که در اختیار مسئولان کشورهای اسلامی است، قطع شریان‌های حیاتی به رژیم صهیونیستی است، کشورهای اسلامی باید ارتباط سیاسی و اقتصادی خود را با رژیم صهیونیستی قطع کنند و به این رژیم کمک نکنند.» ایشان خاطرنشان کردند: «به‌رغم عملکرد نامناسب مسئولان کشورهای اسلامی و به‌رغم همه سختی‌ها، همان‌گونه که در قرآن آمده، خداوند با مردم مؤمن است و هر جا که خدا باشد، پیروزی خواهد بود.» آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «پیروزی مردم غزه قطعی است و خداوند متعال این پیروزی را در آینده نه‌چندان دور به امت اسلامی نشان خواهد داد و دل‌های مسلمانان و در رأس آنها مردم فلسطین و غزه خرسند و خوشحال خواهد شد.»



ادعا درباره تأیید صلاحیت اصلاح‌طلبان

محسن اسلامی، سخنگوی ستاد انتخابات کشور در گفت‌وگو با فارس گفت: «برای انتخابات مجلس امسال ۱۵۶۰ نفر اصلاح‌طلب، ۲۲۷۵ اصول‌گرا و ۴۰۷۳ نفر از طیف‌های مستقل برای انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند به همین جهت شرایط رقابتی بودن در انتخابات امسال مهیا است.» وی درباره چگونگی به‌دست آمدن این آمار گفت: «در مرحله پیش‌نام‌ثبت‌نام و ثبت‌نام، پرسشنامه‌ای در اختیار داوطلبان قرار گرفته که در این پرسشنامه سوالاتی مبنی بر تعیین وابستگی یا تمایل داوطلب به هر کدام از طیف‌های سیاسی آورده شده بود. این پرسشنامه براساس قانون باید توسط وزارت کشور تعریف و تدوین شود و به تأیید شورای نگهبان برسد. یعنی به صورت کلی از این پرسشنامه آمار ارائه نمی‌شود.» وی افزود: «اکنون ما در کشور سه طیف سیاسی تعریف‌شده یعنی، اصولگرا، اصلاح‌طلب و مستقل داریم. بر اساس این بررسی ستادی استانی، ما شاهد هر سه طیف در میان داوطلبان بوده‌ایم.»



نقشه‌های شما می‌خواهد چه کنید

حمیدرضا حاجی بابایی، رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۳، در نشست علنی مجلس شورای اسلامی در تذکره در واکنش به اظهارات داوود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: «آقای منظور می‌گویند تبصره مربوط به کمیته امداد (ره) جگر زلیخا شده است. آقای منظور وقتی شما یوسف هستی، زلیخا هم می‌خواهد. چیزی که شما به مجلس آورده‌اید را فقط خود شما می‌توانید اجرا کنید.» نماینده مردم همدان و قائم‌مقام در مجلس شورای اسلامی بر همین اساس تصریح کرد: «ما هر چه فکر کردیم نقشه‌های شما می‌خواهد چه کنید، از این رو مجبور شدیم موضوع را شفاف کنیم. ما نمی‌توانیم کمیته امداد را بگذاریم که از اول سال تا آخر سال با پلم‌های شما بالا و پایین برود.»

نظر خواهی

سکوت انتخاباتی اصلاح‌طلبان

ارزیابی فعالان سیاسی از سند راهبردی که جبهه اصلاحات آن را منتشر کرد



عکس: جماران

«راهبرد انتخاباتی جبهه اصلاحات ایران» در بیستمین نشست مجمع عمومی با حضور احزاب اصلاح‌طلب و اعضای حقیقی این تشکر به تصویب رسید و متن آن در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. انتشار متن این راهبرد، بحث‌ها و گمانه‌های بسیاری را به‌ویژه در محافل سیاسی و رسانه‌ای ایجاد کرد. آیا این راهبرد انتخاباتی مطرح‌شده به معنای حرکت اصلاح‌طلبان به سمت سیاست «صبر و انتظار» است یا آنها به دنبال اصلاح‌گری در نوع جدیدی هستند؟

تولد جبهه اصلاحات

جبهه اصلاحات به‌عنوان تشکیلی ائتلاف‌ساز پس از انحلال شورای هماهنگی اصلاحات و در پی توفیقی که این جریان در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ با ایجاد ائتلافی در خور توجه طرح‌ریزی شد و در سال ۱۳۹۹ پس از اینکه در انتخابات مجلس یازدهم به دلیل فضای ناامیدی و رخوت در جامعه و رذالت گسترده اکثر تشکلهای اصلاح‌طلب تصمیم به سکوت گرفتند و معذوری از آنها لیستی در برخی شهرها و تهران ارائه دادند، برای تصمیم‌گیری تشکیلاتی و برنامه‌ریزی کلان در این جریان شروع به کار کرد؛ تشکیلی که بخشی از اعضای آن (۱۵ نفر) به‌عنوان اعضای حقیقی با همراهی سیدمحمدخامنه‌ی، رهبر این جریان به‌عنوان محور فعالیت تعیین شده و اکثریت باقی‌مانده نیز نمایندگان احزاب اصلاح‌طلب (۲۷ حزب) هستند که تعیین هیئت‌رئیس‌ه آن هم با رای‌گیری در میان این اعضا است. در پی این روند، در دو دوره اول بهزاد نبوی، به‌عنوان رئیس جبهه اصلاحات انتخاب شد و پس از آن برای سال جاری هم آذر منصوری در این موقعیت قرار گرفت.

اصلاح‌طلبان و استراتژی انتخاباتی

از سال ۱۳۷۸ و بعد که کم‌کم تشکلهای زیرمجموعه جنبش دوم‌خرداد با نام اصلاح‌طلبان شناخته شده‌اند، تقریباً هیچ‌گاه تصمیم به تحریم انتخابات از سوی تمام این تشکلهای رقم‌نخورده ولی در انتخابات مجلس هفتم (۱۳۸۲) و انتخابات مجلس

چه تفاوتی بین این دوره با ادوار اخیر انتخابات وجود داشته و چه اتفاقی رخ داده که اصلاح‌طلبان تصمیم به تعیین سند راهبردی کردند؟ جایگاه این سند راهبردی را در فضای سیاسی کشور چه می‌دانید؟

اسماعیل گرامی مقدم: آنچه که جبهه



تصمیم گرفته، رای اکثریت است و افرادی باید درباره جایگاه سند پاسخگو باشند که موافق آن بوده‌اند چون ما در مقام مخالفت استدلال‌هایمان را گفتیم. بنا بود این راهبردها بعداً روی سه نکته توجه شود و بعد از اینکه جبهه روی آنها به اجماع رسید، منتشر شود، اما متأسفانه منتشر شده است. آنچه مسلم است، این است که سه راهبرد آمده بود که یکی این است که بدون قید و شرط در انتخابات شرکت کنیم، یکی اینکه در جاهایی که نامزد داریم در آن حوزه‌ها حضور پیدا کنیم و از نامزدهایی که تأیید صلاحیت شده‌اند، حمایت کنیم. یکی هم این بحث بود که با توجه به شرایط و در راستای این مسئله که مردم تمایلی به شرکت ندارند، پس جبهه هم شرکت در آن را منوط به جهت‌گیری مردم دانسته است که بیشتر به این پرداخته شده است. اما اعتراضات و دیدگاه‌های متفاوتی که وجود دارد، بیشتر بر همین موضوع متمرکز دارد که انتخابات و فضای انتخابات، باعث می‌شود که جریان‌های سیاسی به وظیفه خود عمل کنند. یک جریان سیاسی که برای انتخابات ائتلاف کرده، در راستای ائتلاف باید به مسائل انتخاباتی پردازد و رویکرد خودش را در جهت فعال بودن در عرصه انتخابات در میزانی که وسع‌اش است، مشخص کند. در همین جهت در گذشته هم با چنین مسائلی مواجه بودیم و در صلاحیت‌ها را داشتیم ولی با همان امکاناتی که داشتیم، حضور پیدا می‌کردیم. به اعتقاد من منافع ملی بالاتر از منافع جریان‌های سیاسی و گروه‌هاست. انکار در جای دیگری تصمیم‌گیری شده و باید در جبهه هم آن تصمیمات رای‌گیری شده تصویب شود. جبهه با توجه به مسائلی که مردم دارند و مشکلاتی که وجود دارد و از سمت دیگر جریان تمامیت‌خواه، در صدد قیضه کردن کرسی‌های مجلس است، می‌توانست راه‌مانه‌ای را انتخاب کند و با راهبرد شرکت مشروط در انتخابات، یک گام در میان مردم بردارد و یک گام هم در حاکمیت داشته باشد و مانع از به‌قدرت رسیدن تندروها شود اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

عده‌ای بانام اصلاحات و یا اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت می‌کنند، لذا جامعه دچار تردید می‌شود که اصلاً اصلاح‌طلبان چه کسانی هستند؟ جبهه اصلاحات در این سند راهبردی خواسته است تا تکلیف این یک‌بام و دو‌هوا را در این موضوع که بخشی از احزاب و سازمان‌های سیاسی در انتخابات مشارکت داشته باشند و بخشی نه‌را، مشخص کند و جامعه را به تصویر روشنی از موضع جبهه اصلاحات برساند. تجربه چندین انتخابات در ادوار گذشته از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲، انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۴ و بعد از آن انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ برای بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان این تصور را به وجود آورده است که حضور در انتخابات با نیروهای نیابتی و کسانی که اصالتاً نیروهای استخوان‌دار و ریشه‌دار اصلاح‌طلب نیستند و پایبندی زیادی هم به آرمان‌ها، ارزش‌ها و استراتژی‌های این جبهه ندارند، دو وضعیت پیش می‌آورد؛ یا این نیروها در مجلس دچار انفعال می‌شوند و یا دچار فساد می‌شوند. به نظر می‌رسد تجربه گذشته به‌ویژه مجلس دهم و خلف وعده‌های مکرری که در دولت آقای روحانی، به‌ویژه دولت دوم ایشان در چپش کابینه و نوع مواجهه با خردان‌های سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ پیش آمد، اصلاح‌طلبان را به این جمع‌بندی رسانده است که اعتباری را که هزینه می‌کنند، باید مابقی آن را بر اعتبار آن‌ها بیفزایند، نه اینکه روز به روز اعتبار اجتماعی و سیاسی آن‌ها در حال افول شود. طبیعی و منطقی است که اگر یک جریان سیاسی بخواهد ماندگار شود و منادی مطالبات پایگاه‌های و بدنه اجتماعی خود باشد، نباید در انتخاباتی که نیروهای اصلی آن جریان نمی‌توانند شرکت کنند، حضور یابد. در عین حال شرایط فعلی جامعه سیاسی کشور ما به‌گونه‌ای است که پایگاه رای و به‌ویژه بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان نیز تمایلی به حضور در انتخابات ندارد. مجموع این مسائل باعث شده است که جبهه اصلاحات به این جمع‌بندی برسد که این بار نوع بر خورد شورای نگهبان با کاندیداها به‌گونه‌ای بوده که اصلاً امکان رقابت جدی را حتی برای نیروهای درجه چندم اصلاح‌طلب و حتی نیروهای نیابتی نیز فراهم نمی‌کند و تجربه گذشته جبهه اصلاحات را به این جمع‌بندی رساند که «امکان مشارکت جدی در رقابت را نداریم»، حاصل تجربه گذشته است.

حسین نقاشی:
جبهه اصلاحات در این سند راهبردی خواسته است تا تکلیف این یک‌بام و دو‌هوا را در این موضوع که بخشی از احزاب و سازمان‌های سیاسی در انتخابات مشارکت داشته باشند و بخشی نه‌را، مشخص کند و جامعه را به تصویر روشنی از موضع جبهه اصلاحات برساند.

حمیدرضا جلالی‌پور: افزایش ناراضیاتی



عمومی فضای پس از اعتراضات سال گذشته و کاهش مشارکت در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ از زمینه‌سازهای این سند راهبردی است اما محتوای آن چنان است که به‌نظم متأسفانه نه‌برای کشور و نه خود اصلاح‌طلبان ظرفیت‌افزا است و نه تأثیر جدی بر فضای سیاسی کشور می‌گذارد. اشتباه جبهه ملی دوم در این سند تکرار شده و متأسفانه ممکن است بعد از انتخابات هم بر مشکلات کار سیاسی مستقل بیفزاید و مشابه لیست ندادن ۱۳۹۸ پایه اجتماعی و ظرفیتی هم نمی‌سازد.

حسین نقاشی:



حاضر اهمیت وجود دارد. نکته اول، با توجه به اینکه در انتخابات سال ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ نسبت به انتخابات‌های پیش‌تر از آن‌ها در دهه گذشته فرایند نظارت استصوابی تشدید شد، این موضوع باعث شد تا کاندیداهای جبهه اصلاحات حضور کم‌رنگی داشته باشند و عملاً امکان رقابت جدی برای آن‌ها وجود نداشت. جبهه اصلاحات این بار به این نتیجه رسیده که خوب است در رابطه با مقوله انتخابات، با تأکید بر انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲، راهبردی و نگرش خود را برای جامعه و دست‌اندرکاران امور انتخابات و حاکمیت مشخص کند و دلیل صدور این متن همین است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ بخشی از جریان‌ها، احزاب، سازمان‌های سیاسی، اشخاص و چهره‌های اصلاح‌طلب معتقد بودند کاندیدای مؤثری ندارند و پایگاه رای اجتماعی آن‌ها نسبت به حضور در انتخابات با تردیدهای جدی مواجه است، بنابراین هیچ‌گونه مشارکتی نداشتند؛ اما بخش دیگری از این احزاب و سازمان‌ها در انتخابات حضور پیدا کردند و حمایت‌هایی نیز در انتخابات قبلی انجام شد. به نظر می‌رسد که با انتشار این سند راهبردی در انتخابات مجلس دوازدهم، جبهه اصلاحات و مجموعه سازمان‌ها و احزاب سیاسی عضو این جبهه خواسته‌اند تکلیف مواضع خود را روشن کنند و خامنه‌ای بر دیوارگی و انشاقی که در افکار عمومی به وجود آمده، بدهند. با توجه به اینکه

براساس این سند آمده است: اصلاح‌طلبان در «انتخاباتی تهی از معنا، غیررقابتی و غیرمنصفانه و غیرمؤثر در اداره کشور شرکت» نمی‌کنند آیا این به معنای اتخاذ سیاست «صبر و انتظار» است یا برنامه‌ای برای برون‌رفت از این وضعیت مدنظر گرفته شده؟

امنیتی و قضایی مواجه خواهند شد. در نتیجه به نظر می‌رسد راهکار عملیاتی خاصی را ندارند چراکه اساساً نمی‌توانند داشته باشند؛ از یک سو به دلیل برخورداری امنیتی و قضایی احتمالی و از سوی دیگر نبود اقبال و اعتماد بدنه اجتماعی. در نتیجه به نظر می‌رسد سیاست «صبر و انتظار» را در پیش گرفتند تا ببینند حاکمیت چه زمانی به این جمع‌بندی می‌رسد که فضای برگزاری انتخابات را بازتر کند و امکان قدرت و تصمیم‌گیری را به جبهه اصلاحات بدهد.

اسماعیل گرامی مقدم: این یکی از بندهای راهبردها بوده و ملاک نظر اکثریت بیشتر روی این بند بوده است. این به خودی خود نشان می‌دهد که گفته شده شرکت نمی‌کنیم و ما هم روی همین مشارکت مخالفت داشتیم ولی این را خیلی صریح و واضح گفته‌اند اما من نمی‌دانم جبهه با اتکاء همین بند راهبرد خود را در اجرا هم عملی کند. تردیدهایی وجود دارد که امیدوار هستیم در آینده از بین برود.



در این شرایط جنگی منطقه و در سالی که احتمالاً ترامپ برمی‌گردد و مخاطرات ملی بیشتر خواهد بود.

حسین نقاشی: این سند راهبردی بیشتر مبتنی بر «سیاست صبر و انتظار» است چراکه اصلاح‌طلبان در مواردی از جمله نوع برخورداری قضایی و امنیتی که با کمپین‌های اعتراضی از هر نوع، از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا فضای غیرمجازی شده است امکان هیچ‌گونه فشار اجتماعی را ندارند چراکه اولاً اعتبار و اعتماد عمومی را که در سال‌های دهه هشتاد و حتی اواسط دهه نود داشتند، ندارند که بتوانند بدنه اجتماعی خود را برای ایجاد فشار اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی بدون خشونت همراه کنند یا حداقل در حال حاضر اعتماد عمومی از سوی بدنه اجتماعی وجود ندارد. از سوی دیگر این نگرانی وجود دارد که به محض اینکه بخواهند هرگونه کنش جنبشی را ایجاد کنند با برخورداری سازمان‌های

